

نقش تجربه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت سود

حسن معینان^{۱*}

محسن حیدریان^۲

حسین معینان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱

چکیده

یکی از رسالت های مهم دانش حسابداری، ارتقای بهینه علم استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری و صورت های مالی است. جهت افزایش کیفیت گزارشگری مالی، بهبود نظام راهبری شرکتی امری اجتناب ناپذیر است. یکی از سازوکارهای نظام راهبری شرکتی کمیته حسابرسی است. درک و دانش اعضای با تجربه کمیته حسابرسی منجر به بهبود کیفیت سود و گزارشگری مالی می شود. ولی با توجه به سابقه کم کمیته حسابرسی (لازم الاجراء از سال ۱۳۹۱) نمی توان به صورت قطعی نسبت به ارتباط تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود قضاوت نمود. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت سود است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ می باشد. حجم نمونه با استفاده از روش حذف نظام مند بالغ بر ۱۴۱ شرکت انتخاب شد. روش اجرای پژوهش مبتنی بر رگرسیون چندگانه و داده های ترکیبی (پانل دیتا) با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی می باشد. شواهد پژوهش حاکی از آن است که تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت سود شرکت ها تاثیر معناداری ندارد.

واژگان کلیدی

کیفیت سود، کمیته حسابرسی، تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه غیرانتفاعی ارشاد دماوند، واحد تهران، ایران (moein.h60@gmail.com)

^۲ کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی، گرایش استراتژیک، گروه مدیریت، دانشگاه مهر البرز، واحد تهران، ایران

^۳ کارشناسی ارشد، مدیریت دولتی، گرایش مدیریت تحول، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، ایران

مقدمه

تحول در محیط اقتصادی ایران در سال‌های اخیر، به ویژه با افزایش خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی و نیز توسعه بازار سرمایه سبب شده است که راهبری شرکتی^۱ به عنوان مکانیزم نظارتی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. کمیته حسابرسی^۲ از اجزای ارکان راهبری بنگاه تلقی می‌شود و عاملی تعیین‌کننده در روند گزارشگری مالی است که اعتبار صورت‌های مالی حسابرسی شده را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، شرکت‌ها و سهامداران برای نظارت دقیق‌تر بر زمینه‌هایی همچون ریسک، جلوگیری از اتلاف منابع شرکت، صحت گزارشگری مالی و رعایت الزامات قانونی و مقرراتی، بر قضاوت اعضای کمیته حسابرسی اتکا می‌کنند. هر عضو کمیته حسابرسی، برای انجام وظایف خود به شناخت درست و آشکار وظایف خود با توجه به منشور فعالیت کمیته و سایر الزامات قانونی نیاز دارد. برای نمونه، منشور کمیته حسابرسی مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار، بندهایی درباره‌ی استقلال و تخصص اعضای کمیته دارد.

یکی از نقش‌های مهم اطلاعات حسابداری مالی کمک به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در قالب افزایش کیفیت سود^۳ شرکت است. کیفیت سود حسابداری یک رویداد مالی اقتصادی است که از دیرباز علاقه‌ی سرمایه‌گذاران، مدیران، تحلیلگران مالی، پژوهشگران و اعتباردهندگان را به خود جلب کرده و از مهمترین منبع اطلاعاتی سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان و سایر استفاده‌کنندگان، به ویژه در بورس اوراق بهادار شمرده می‌شود (ملکیان و همکاران، ۱۳۸۹). از سوی دیگر سازمان بورس اوراق بهادار در راستای بهبود کیفیت سود و گزارشگری مالی تلاش‌هایی انجام داده است. از منظر سازمان بورس اوراق بهادار، برای افزایش کیفیت سود، بهبود نظام راهبری شرکتی موضوعی انکارناپذیر است (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵).

از جمله اینکه پروژه بهبود نظام راهبری شرکتی در دستور خود قرار داده که نمونه‌ای از ساز و کارهای این نظام تکمیل شده و در قالب دستور العمل قرار گرفته است. شاید جدی‌ترین گام برداشته شده در این راه، مربوط به تصویب دستور العمل سامانه‌های کنترل داخلی ناشران پذیرفته‌شده در بورس و فرا بورس در ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ می‌باشد. در اواخر سال ۱۳۹۱ سازمان، منشور کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی را تصویب کرد تا در عزم خود به سمت استقرار نظام راهبری شرکتی، مصمم‌تر باشد. پس یکی از ارکان اصلی راهبری شرکتی کمیته حسابرسی است (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵).

با توجه به مطالب بیان‌شده در همین منشور اعضای کمیته حسابرسی برای انجام موثر وظایف ذکر شده در منشور باید تخصص مالی^۴ داشته باشند و این تخصص فراتر از آشنایی صرف با صورت‌های مالی است. درک و دانش اعضای با تجربه کمیته حسابرسی، ارزش گزارشگری مالی و حسابرسی شرکت را افزایش می‌دهند (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). در

¹ Corporate governance

² Audit committee

³ Earnings Quality

⁴ Financial expertise

واقع کمیته حسابرسی بعنوان یکی از مکانیزم های راهبردی شرکتی، می تواند رفتار فرصت طلبانه مدیران را محدود کرده و منافع مدیران و ذینفعان را همسو نماید تا بدینوسیله، موجب کیفیت سود شرکت ها شود (جهانیان، ۱۳۹۵). لازم به ذکر است که اعضا نباید تخصص پیش گفته را در طول زمان از دست بدهند به همین جهت، شرکت ها باید آموزش مستمر اعضا و مشاوره های حرفه ای شامل آخرین تغییرات در استانداردها و اصول حسابداری، حسابرسی، قوانین و مقررات بازار سرمایه کشور و قوانین تازه وضع شده را برای اعضا فراهم کنند. بسیاری از کشورها به صورت دوره ای تخصص مالی اعضا را ارزیابی می کنند. پژوهش های انجام شده نظیر تحقیقات بیلال و همکاران^۵ (۲۰۱۸) و دی فوند و همکاران^۶ (۲۰۰۵) در این زمینه بیانگر این موضوع است که وجود اعضایی با تخصص مالی در کمیته حسابرسی با کیفیت سود و بهبود فرآیند گزارشگری مالی مرتبط است. از این رو در این پژوهش به این موضوع پرداخته می شود که آیا بهبود کیفیت سود در اثر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی است یا خیر.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی باید به نحوی مناسب برای انجام وظایف خود ایفای نقش کند. یک منشور شفاف و مکتوب به کمیته و دیگران در درک مسئولیت های آنها کمک می کند. براساس منشور کمیته حسابرسی مصوبه ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، کمیته حسابرسی از ۳ تا ۵ عضو که اکثریت آنها مستقل و تخصص مالی دارند با انتخاب و انتصاب هیئت مدیره تشکیل می شود. استقلال کمیته حسابرسی سنگ بنای اثربخشی کمیته حسابرسی است. تخصص و مهارت اعضای کمیته حسابرسی، یکی دیگر از ویژگی های کمیته حسابرسی است که با اثربخشی کمیته حسابرسی ارتباط تنگاتنگی دارد. اعضای کمیته حسابرسی برای انجام موثر وظایف خود در منشور باید تخصص مالی داشته باشند و این تخصص فراتر از آشنایی صرف با صورت های مالی است. ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی تخصص مالی را بصورت زیر تعریف می نماید: مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه ای داخلی یا معتبر بین المللی در مسائل مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت ها و گزارشگری مالی و کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی (استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۱).

پژوهش های انجام شده در این زمینه بیانگر این موضوع است که وجود اعضایی با تخصص مالی حسابداری (نه غیر حسابداری) در کمیته حسابرسی با ویژگی های گزارشگری مالی مرتبط است از جمله؛ محافظه کاری حسابداری بیشتر، کیفیت بالاتر اقلام تعهدی، مدیریت سود کمتر (بدارد و همکاران^۷، ۲۰۰۴؛ کارکلو و همکاران^۸، ۲۰۰۶)، بالاتر رفتن میزان اعتبار شرکت و همچنین وقوع کمتر ضعف های اساسی کنترل داخلی (هوتاش و بدارد^۹، ۲۰۰۹).

⁵ Bilal et al

⁶ Defond et al

⁷ Bedard et al.

⁸ Carcello et al.

⁹ Hoitash et al.

مطالعات قبلی نشان دادند که مهارت‌ها و تجارب حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار با اثر بخشی کمیته حسابرسی است و مهارت‌ها و تجارب حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار مرتبط با اثربخشی کمیته حسابرسی است (کارسلو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۷). دی زورت و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۱) نمونه‌ای از اعضای کمیته حسابرسی شرکت‌های کانادایی را مورد بررسی قرار دادند تا واکنش آن‌ها را نسبت به مذاکرات میان حسابرس مستقل و مدیریت شرکت مشخص کنند. آن‌ها دریافتند که حمایت بیش‌تر از حسابرس مستقل به وسیله کمیته حسابرسی با تجربه‌ی بیش‌تر مدیر مستقل و دانش بالاتر گزارشگری حسابرسی مدیران ارتباط دارد. با وجود این، رابطه‌ی معنی داری بین قضاوت اعضای کمیته حسابرسی و دانش گزارشگری مالی آنها پیدا نکردند. کلاین (۱۹۹۸) برای بررسی اختلاف قضاوت درباره گزارشگری مالی میان کارشناسان مالی و تحصیل کرده‌های مالی آزمایشی انجام دادند. نتایج حاصل از مطالعه شمول کارشناسان مالی را در کمیته حسابرسی در برداشت که احتمال می‌رود یکنواختی ارزیابی‌های کلی کیفیت گزارشگری را بهبود بخشد. دیویدسان و نئو^{۱۲} (۱۹۹۳) در تحقیقی بازده سهام را پیرامون زمان انتصاب اعضای کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد مادامی که اعضای جدید کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی باشند، شاهد تأثیر گذاری قابل ملاحظه‌ای روی قیمت سهام هستند.

اصلاحات اخیر کمیته‌ی حسابرسی شرکت‌ها، افزایش تعداد مدیران دارای تخصص مالی را در کمیته‌ی حسابرسی هدف قرار داده است. تحت استانداردهای جدید ایالات متحده آمریکا، شرکت‌های سهامی عام، باید حداقل یک نفر با تخصص حسابداری در کمیته‌ی حسابرسی خود داشته باشند. چندین نتیجه کلی می‌توان از مطالعات پیشین در زمینه‌ی تخصص و تجربه‌ی کمیته حسابرسی استخراج کرد. نوشتارهای نظری و تجربی اهمیت انواع مختلف تخصص و تجربه را پیرامون فعالیت‌های عملیاتی متنوع شناسایی کرده اند. علاوه بر استقلال، تخصص کمیته حسابرسی نیز اغلب به عنوان ویژگی مهمی برای عملکرد مؤثر آن را در نظر گرفته می‌شود. استدلال شده است که نظارت مؤثر کمیته حسابرسی ایجاب می‌کند که اعضای آن برای ارزیابی مستقل موضوعاتی که به آن‌ها ارائه می‌شود، تخصص کافی در حسابداری و حسابرسی داشته باشند (بیسلی و سالتریو ۲۰۰۱). بدون درجه‌ی مشخصی از تخصص، برای اعضای کمیته حسابرسی دشوار خواهد بود تا اطلاعات مالی را که ملزم به ارزیابی آن هستند به اندازه‌ی کافی درک کنند. علاوه بر این، مدیران دارای مدارک حرفه‌ای قانونی تمایل به داشتن آگاهی بیش‌تر از وظایف شان و الزامات قانونی پیرامون گزارشگری مالی دارند. همچنین نهادهای تدوین کننده‌ی مقررات در ایالات متحده‌ی آمریکا اهمیت قابل ملاحظه‌ای در زمینه‌ی تخصص کمیته حسابرسی تشخیص داده اند. به دنبال توصیه‌های کمیته‌ی بلو ریبون^{۱۳} (۱۹۹۹) بورس‌های اوراق بهادر نیویورک و انجمن

¹⁰ Carcello et al

¹¹ Dezoort et al

¹² Davidson & Neu

¹³ Blue Ribbon Committee

ملی معامله گران اوراق بهادر، برای این که اعضای کمیته حسابرسی را ملزم به داشتن سطح مشخصی از سواد مالی و حسابداری یا تخصص مدیریت مالی مربوطه نمایند، مقررات شان را اصلاح نمودند.

اما با این حال، تحقیقات تجربی نتایج همسانی در مورد منافع بدست آمده از کمیته حسابرسی را نشان نمی دهد و همین مسئله موجب شده است تا شرکت ها نه تنها استفاده از کمیته حسابرسی را در نظر بگیرند، بلکه ویژگی های عملکرد آنها مثل تجربه و استقلال را نیز مورد توجه قرار دهند. مدیران زمانی ممکن است اثربخشی کمیته حسابرسی را خدشه دار کنند که با ایجاد کمیته حسابرسی وابسته به مدیریت بتوانند بر فرایند تصمیم گیری هیئت مدیره تأثیرگذار باشند. به دلیل اهمیت این مسئله در اثربخشی کمیته حسابرسی و راهبری شرکتی، استاندارد گذاران باید در جستجوی راه هایی برای تضمین این مسئله باشند و مانع از محدودیت ایجاد شده توسط مدیران بر عملکرد کنترلی کمیته حسابرسی شوند (باربادیلو^{۱۴}، ۲۰۰۷). موفقیت کمیته حسابرسی در ایفای وظیفه نظارتی خود کاملاً به روابط این کمیته با سایر اعضای گروه حاکم بر شرکت از قبیل مدیران، حسابرسان مستقل، حسابرسان داخلی، هیئت های قانونی، مشاوران حرفه ای و مراجع تدوین کننده استانداردها بستگی دارد (حساس یگانه و معیری، ۱۳۷۸).

کیفیت سود

کیفیت سود یکی از واژگان حسابداری بوده که نظرات بسیار متفاوتی در مورد تعریف آن وجود دارد. شپیر و وینسنت^{۱۵} (۲۰۰۳)، کیفیت سود را به عنوان نزدیکی سود گزارش شده حسابداری به سود اقتصادی تعریف می کنند. به عبارت دیگر، نزدیکی بیشتر سود حسابداری به سود اقتصادی، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. نظریه کیفیت سود برای اولین بار توسط تحلیل گران مالی و کارگزاران بورس مطرح شد، زیرا آنها احساس می کردند سود گزارش شده قدرت سود شرکت را آنچنان نشان نمی دهد که در ذهن مجسم می کنند. آنها دریافتند که تجزیه و تحلیل صورتهای مالی شرکت ها به دلیل نقاط ضعف متعدد در اندازه گیری اطلاعات حسابداری کار مشکلی است. سوال اساسی این است که چرا تحلیل گران مالی در ارزیابی خود از سود خالص گزارش شده و یا سود هر سهم شرکت (بدون تعدیل) استفاده نمی کنند و جانب احتیاط را رعایت می نمایند. پاسخ این است که در تعیین ارزش شرکت نه تنها به کمیت سود، بلکه باید به کیفیت آن نیز توجه شود. منظور از کیفیت سود، زمینه بالقوه رشد سود و میزان احتمال تحقق سودهای آتی است. به عبارت دیگر، ارزش یک سهم تنها به سود هر سهم سال جاری شرکت بستگی ندارد بلکه به انتظارات ما از آینده شرکت و قدرت سودآوری سال های آتی و ضریب اطمینان نسبت به سودهای آتی بستگی دارد (جهانخانی و ظریف فرد، ۱۳۷۴).

برداشت حسابداران و تحلیل گران مالی از واژه سود متفاوت است. تحلیل گران مالی عموماً سود گزارش شده (سود حسابداری) را متفاوت از سود واقعی می دانند. یکی از دلایل این تفاوت از دیدگاه تحلیل گران این است که سود می تواند به وسیله مدیران دستکاری شود. تحلیل گران مالی تلاش می کنند تا چشم انداز سود شرکتها را ارزیابی کنند. چشم

¹⁴ Bradbury

¹⁵ Schipper, K. and Vincent.

انداز سود به ترکیب ویژگی های مطلوب و نامطلوب سود خالص، اشاره دارد. برای نمونه، شرکت دارای عناصر و اقلام ثابت در صورت سود و زیان خود نسبت به شرکت فاقد این اقلام و عناصر، کیفیت سود بالاتری دارد. همین امر به تحلیل گران اجازه می دهد سود آتی شرکت را با قابلیت اطمینان بیشتری پیش بینی نمایند (اسماعیلی، ۱۳۸۶).

کیفیت گزارشگری، یعنی میزان مفید بودن و قابلیت استفاده از اطلاعات در تصمیم سازی، که دیدگاه های مختلفی را نیز به دنبال دارد. ریبال یکی از ویژگی های مهم آن را شناسایی به موقع زیان می داند و به موقع بودن را از عناصر کیفیت بر می شمارد (ریبال^{۱۶}، ۲۰۰۴). از نظر باسو این امر به معنای شناسایی زیان های اقتصادی است (باسو^{۱۷}، ۱۹۹۷). سود حسابداری معیاری برای ارزیابی گزارشگری مالی است، زیرا تغییر در کمیت ترانزنامه، به دنبال صورت سود و زیان رخ می دهد (بدون در نظر گرفتن طبقه بندی مجدد) و شناسایی به موقع سود و زیان منجر به تجدید به موقع تمامی متغیرها و نسبت های مالی می گردد. اگرچه سود بیانگر عملکرد نهایی شرکتها است، ولی هر شرکتی دارای سیستم حسابداری با حساب های خاص خود است که منجر به ارائه سودهای مختلف می گردد. بنابراین باید بتوان داستان واقعی این ارقام را برای سرمایه گذاران تشریح کرد (شباهنگ، ۱۳۸۱). تعریف قطعی از کیفیت سود و ملاکهای تعیین کننده آن ارائه نشده، به طوری که از نظر سیگال در ۱۹۹۷ تعریف آن ساده نیست (سیگال^{۱۸}، ۱۹۸۲) و بنیش نیز برای آن تعاریف متعددی قائل است. از نظر کاترین اسپچیر^{۱۹} و لیندا وینسنت (۲۰۰۳) کیفیت سود تاحدی به سود هیکس^{۲۰} در ۱۹۳۹ نزدیک است، یعنی سود نزدیک به سود هیکس دارای کیفیت بالایی است. لازم به ذکر است که سود از نظر هیکس به میزان مصرفی، در شرکت اتلاق می گردد؛ به طوری که ارزش اقتصادی اول دوره شرکت با آخر دوره آن برابر باشد. این معیار، بیانگر تغییر در خالص دارایی های اقتصادی است و نهایت اینکه از نظر کمیسیون بورس اوراق بهادار، عایدات مدیریت شده از کیفیت پایینی برخوردارند.

ارتباط تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود

تخصص مالی کمیته حسابرسی، برجسته ترین ویژگی اثربخشی کمیته حسابرسی است که در سال های اخیر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است (گریفین^{۲۱}، ۲۰۱۶). در ایالات متحده آمریکا، تعریف اصلی کمیسیون بورس و اوراق بهادار^{۲۲} در خصوص متخصص یا کارشناس مالی که به واسطه قانون ساربنز - اکسلی^{۲۳} پیشنهاد شده است، بیش از حد محدود و بحث برانگیز است، این تعریف محدود به تخصص مالی و حسابداری اعضای کمیته حسابرسی بوده که به عنوان حسابداران عمومی (حسابداران حرفه ای یا خبره^{۲۴} و تحلیلگران مالی خبره^{۲۵}) از صلاحیت و تجربه برخوردار هستند.

¹⁶ Rayball.

¹⁷ Basu.

¹⁸ Siegal

¹⁹ SchippeZ

²⁰ Hicks

²¹ Griffin

²² SEC

²³ SOX

²⁴ CPA

بعد از آن، قانون نهایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار، حیطة کارشناسان مالی کمیته حسابرسی^{۲۶} را تحت بخش ۴۰۷، قانون سارینز - اکسلی و با گنجاندن کارشناسان مالی حسابداری^{۲۷} و کارشناسان مالی غیر حسابداری^{۲۸} گسترش داد. در میان دسته دوم، کارشناسان مالی (به عنوان مثال، بانکداران سرمایه گذاری و تحلیلگران مالی) و کارشناسان نظارتی (به عنوان مثال، افسران ارشد اجرایی^{۲۹} و رؤسای شرکت ها) مطرح هستند. به همین ترتیب، کشورهای دیگر از الزامات خاصی برای کارشناسان مالی کمیته حسابرسی برخوردار هستند. تعداد زیادی از تحقیقات، اثربخشی نقش کارشناسان مالی کمیته حسابرسی در نظارت بر کیفیت سود شرکت های دولتی را بررسی می کنند. همچنین بحث در حال پیشرفتی در این خصوص وجود دارد که کدام نوع تخصص، بر حسب تعریف، ارتباط قوی تری با کیفیت سود دارد: تخصص حسابداری یا غیر حسابداری. تحقیقات بیشتری، این ادعا را تأیید می کنند که داشتن همزمان کارشناسان حسابداری و غیر حسابداری در کمیته حسابرسی می تواند از لحاظ کیفیت حسابرسی، مفید باشد (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۸؛ نلسون و دوی، ۲۰۱۳).

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

مشهدی جعفر نظری و احتشام راثی (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر چارچوب کنترل و ارزیابی فناوری اطلاعات بر کیفیت کنترل های داخلی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت های موجود در صنعت داروسازی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداخته اند. جامعه آماری تحقیق حاضر اساتید حسابداری، اعضای کمیته حسابرسی، حسابرسان داخلی و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران بوده که حجم نمونه به روش نمونه گیری تصادفی و بر مبنای فرمول کوکران ۱۸۲ نفر می باشد. برای بررسی روایی پرسشنامه از نظر متخصصان و برای بررسی پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار آن ۷۵٫۷٪ محاسبه شده و بیانگر این مطلب است که پرسشنامه از پایایی و قابلیت اعتماد بالایی برخوردار است. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان می دهد که چارچوب کنترل و ارزیابی فناوری اطلاعات بر کیفیت کنترل های داخلی و کیفیت گزارش های مالی شرکت های موجود در صنعت داروسازی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تاثیر مستقیم دارد.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی پرداخته اند. داده های این تحقیق با استفاده از اطلاعات مالی ۱۰۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ جمع آوری شده است و برای تجزیه و تحلیل داده ها از الگوی رگرسیون خطی چند متغیره با استفاده از داده های ترکیبی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و زمانی که درصد مالکیت دولت و یا ارتباطات

²⁵ CFA

²⁶ ACFE

²⁷ AFE

²⁸ NAFE

²⁹ CEO

³⁰ Nelson & Devi

سیاسی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، کیفیت گزارشگری شرکت‌ها کاهش می‌یابد، همچنین نتایج نشان داد که مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارد، اما ارتباطات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. فخاری و رضایی پسته نویی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت مورد آزمون پرداختند. محیط اطلاعاتی شرکت توسط متغیرهای مشاهده پذیر اندازه شرکت، مالکیت نهادی، فرصت‌های رشد شرکت، عمر شرکت، دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، تعداد سهامداران شرکت، خطای پیش‌بینی سود، دفعات گردش سهام، معیار عدم نقد شوندگی آمیهود و نوسان پذیری بازده سهام، بصورت یک شاخص جامع، اندازه‌گیری شده و تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت‌ها در بازه زمانی ۴ سال بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی در سال ۱۳۹۱، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی ۱۲۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از طریق داده‌های ترکیبی به روش تابلویی، بیانگر آن بود که رابطه مثبت و معناداری بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و محیط اطلاعاتی شرکت‌ها وجود دارد و تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی باعث بهبود محیط اطلاعاتی شرکت و افزایش شاخص سنجش آن می‌گردد.

پیشینه خارجی

بیلال و همکاران^{۳۱} (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود در کشر چین نتایج حاصل از ۹۰ مطالعه با ۱۶۵۵۲۹ مشاهدات سال- شرکت در رابطه با ارتباط بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و کیفیت سود را نشان دادند. نتایج نشان داد که تخصص مالی کمیته حسابرسی رابطه مثبت با کیفیت سود دارد پس کارشناسان حسابداری رابطه نزدیکی با کیفیت سود نسبت به کارشناسان غیر حسابداری دارند. علاوه بر این، سیستم‌های حاکمیت شرکتی، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، به عنوان متغیر میانجی بین کمیته مالی حسابرسی و کیفیت سود سنجیده شدند.

ناکاشیما و زیبارت^{۳۲} (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا قانون ساربینز آکسلی در ژاپن تاثیری بر مدیریت سود و کیفیت سود داشته است. پژوهشگران مذکور به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود تعهدی برای شرکت‌های نمونه در قبل و بعد از قانون ساربینز آکسلی قابل ملاحظه بود و مدیریت سود واقعی برای شرکت‌های نمونه برای بعد از قانون ساربینز آکسلی کاهش یافته است.

نیگار^{۳۳} (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری در حسابداری اثر چهار ویژگی کلیدی حسابرسی بر محافظه‌کاری در حسابداری را مورد بررسی نموده است. نتایج این پژوهش بیانگر این بود که بین محافظه‌کاری در حسابداری و حضور مدیران با تخصص مالی در کمیته حسابرسی، وجود مدیران با تجربه مالی در کمیته حسابرسی و همچنین برگزاری جلسات متعدد توسط کمیته حسابرسی، رابطه مثبت وجود دارد.

³¹ Bilal et al.

³² Nakashima & Ziebart

³³ Nigar

سان و همکاران^{۳۴} (۲۰۱۴) با عنوان ویژگی های کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی به بررسی رابطه ی نسبت استقلال و سطح تخصص و چرخش و اندازه کمیته ی حسابرسی و کمیته ی هیأت مدیره با مدیریت سود واقعی شرکت های آمریکایی پرداختند. نتایج تحقیق آنان حاکی از آن بود که هیچکدام از ویژگیهای کمیته ی حسابرسی رابطه ی معناداری با مدیریت سود واقعی نداشتند.

روش پژوهش

تحقیق حاضر جزء پژوهش های تجربی حسابداری و از لحاظ هدف نیز، کاربردی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می دهد. در این تحقیق از داده های مالی طبقه بندی شده و حسابرسی شده شرکتهای فعال پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. دلیل انتخاب جامعه آماری مذکور این است که سازمان بورس اوراق بهادار تهران اطلاعات نسبتاً جامعی در خصوص وضعیت شرکت ها و روند عملکردهای مالی و اقتصادی آنها دارد و می توان گفت تنها منبع اطلاعاتی است که با استفاده از آن می توان به منابع اطلاعاتی مالی شرکتهای دسترسی یافته و مدلهای تحقیق را مورد آزمون قرار داد. به منظور تجزیه و تحلیل دیتا از آمار توصیفی جهت احتساب میانگین و میانه و انحراف معیار و چولگی و آمار استنباطی استفاده می شود. برای تحلیل اطلاعات گردآوری شده برای اثبات یا رد فرضیه ها از روش رگرسیون به صورت چند متغیره و از آزمون F جهت آزمون معنی داری مدل رگرسیون استفاده شده است. نرم افزار آماری مورد استفاده در این پژوهش نرم افزار ایویوز می باشد.

فرضیه پژوهش

با افزایش تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی، کیفیت سود شرکت ها بهبود می یابد.

متغیرها و مدل پژوهش

نحوه ی اندازه گیری هر یک از متغیرهای پژوهش و مدل آزمون فرضیه ها به شرح زیر است.

متغیر وابسته

کیفیت سود (EQ): در این پژوهش جهت سنجش کیفیت سود از معیار پایداری سود استفاده می شود. پایداری سود به پیروی از پژوهش بخردی نسب و ژولانژاد (۱۳۹۶) به شرح رابطه (۱) سنجیده شده است.

رابطه (۱)

$$NIBE_{i,t} = \alpha + \beta NIBE_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در این رابطه:

$NIBE_{i,t}$ = سود قبل از اقلام غیر مترقبه شرکت i

سودی که ناشی از فعالیت های غیرمترقبه و غیرعادی نباشد از پایداری بیشتری برخوردار است. ضریب متغیر توضیحی $NIBE$ ، یعنی β که از رابطه (۱) بدست خواهد آمد بیانگر پایداری سود است. هرچه β بدست آمده به عدد یک نزدیک تر باشد، پایداری سود بیشتر خواهد بود و برعکس.

متغیر مستقل

اعضای متخصص مالی ($ExpertiseCom$): اعضای متخصص مالی یک متغیر مجازی می باشد. در این پژوهش چنانچه هر یک از اعضای کمیته دارای تخصص مالی باشند، عدد یک اختصاص داده می شود و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد.

متغیرهای کنترلی

اندازه کمیته حسابرسی ($SizeCom$): بیانگر تعداد اعضای کمیته حسابرسی است. اندازه هیئت مدیره ($Board Size$): برای سنجش این متغیر از تعداد اعضای هیئت مدیره در هر یک از سنوات پژوهش استفاده خواهد شد.

استقلال هیئت مدیره ($Board independence$): استقلال هیئت مدیره از نسبت اعضای غیرموظف در هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره سنجیده می شود.

دوگانگی وظیفه مدیر عامل ($CEO duality$): در صورتی که در شرکتی مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره باشد، از متغیر موهومی یک و برعکس چنانچه رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره نباشد، از متغیر موهومی صفر استفاده خواهد شد.

مدل پژوهش

مدل پژوهش به شرح رابطه (۲) می باشد:

رابطه (۲)

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 Expertise_Com_{it} + \beta_2 Size_Com_{it} + \beta_3 Board_Size_{it} + \beta_4 Board_independence_{it} + \beta_5 CEO_duality_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این رابطه:

EQ : کیفیت سود

$ExpertiseCom$: اعضای متخصص مالی

$SizeCom$: اندازه کمیته حسابرسی

$Board Size$: اندازه هیئت مدیره

$Board independence$: استقلال هیئت مدیره

$CEO duality$: دوگانگی وظیفه مدیر عامل

جامعه و نمونه آماری

با توجه به اینکه شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران از سال ۱۳۹۱ اقدام به تشکیل کمیته حسابرسی نموده اند، لذا جامعه آماری این پژوهش را کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۶ در بر می گیرد.

در تحقیق حاضر، برای تعیین نمونه آماری، از رابطه یا مدل خاصی جهت برآورد حجم نمونه و نمونه گیری استفاده نشده است بلکه، از روش حذف سیستماتیک که در اغلب تحقیق های حسابداری و مدیریت مالی مرسوم است، استفاده می شود. در این روش، محدودیت ها و شرایط زیر توسط پژوهشگر اعمال شده است تا به نمونه ی مطلوب تحقیق دست پیدا شود:

۱. به منظور قابلیت مقایسه داشتن داده ها و متغیرها، سال مالی شرکت ها به پایان اسفند ختم گردد.
 ۲. همه ی داده های لازم برای محاسبه ی متغیرها در طول دوره مورد بررسی در دسترس باشد.
 ۳. شرکت ها باید قبل از سال ۱۳۹۱، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۶ از بورس خارج نشده باشند.
 ۴. شرکتها در طی دوره ی زمانی تحقیق تغییر سال مالی نداده باشند.
 ۵. جز شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ نباشد.
- با بررسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و اعمال شرایط و محدودیت های فوق تعداد ۱۴۱ شرکت جهت برآورد مدل ها و آزمون فرضیه های پژوهش انتخاب شده اند.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

جدول شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی را برای ۱۴۱ شرکت عضو نمونه آماری در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۷ ساله نشان می دهد.

جدول (۱): آماره توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
کیفیت سود	۰,۳۷۵	۰,۱۷	۵,۴۶	۰	۰,۵۹۹
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	۰,۳۶۸	۰	۱	۰	۰,۴۸۲
اندازه کمیته حسابرسی	۱,۱۶۶	۰	۵	۰	۱,۵۲۶
اندازه هیئت مدیره	۴,۹۸۲	۵	۹	۳	۰,۳۹۳
استقلال هیئت مدیره	۰,۶۵۵	۰,۶	۱	۰	۰,۲۱۲
دوگانگی وظایف مدیرعامل	۰,۴۶۲	۰	۱	۰	۰,۴۹۸

از بین شاخص‌های مرکزی بیان‌شده میانگین مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانگین شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال میانگین متغیرهای کیفیت سود و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی به ترتیب برابر با ۰,۳۷۵۲۹۶ و ۰,۳۶۸۷۹۴ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول (۱-۴) مشاهده می‌شود میانه متغیر اندازه کمیته حسابرسی برابر با ۰,۰۰۰۰۰۰ است که نشان می‌دهد نیمی از داده‌های این متغیر کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار می‌باشد. همچنین از مهم‌ترین پارامترهای پراکنندگی، انحراف معیار است که این مقدار نباید برای متغیرها برابر صفر باشد که به عنوان نمونه در این پژوهش مقدار این پارامتر برای متغیر دوگانگی وظایف مدیرعامل برابر با ۰,۴۹۸۸۶۲ می‌باشد.

آمار استنباطی

مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهنده‌گی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون (۲,۱۰۵۴۰۵) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد.

جدول (۲): نتایج مربوط به تخمین مدل اول پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	p_Value
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	EXPERTISECOM	0.017588	0.057131	0.307856	0.7583
اندازه کمیته حسابرسی	SIZECOM	-0.000698	0.018158	-0.038423	0.9694
اندازه هیئت مدیره	BOARDSIZE	-0.003999	0.019506	-0.205011	0.8376
استقلال هیئت مدیره	BOARDINDEPENDENCE	-0.100013	0.033810	-2.958053	0.0032
دوگانگی وظایف مدیرعامل	CEODUALITY	0.005593	0.014227	0.393100	0.6944
پویایی مدل	EQ(-1)	0.806738	0.011209	71.97498	0.0000
ضریب ثابت	C	0.103456	0.103258	1.001918	0.3167
آماره F : ۲۴۰,۵۹۳۴	دورین واتسون:	معناداری آماره F : ۰/۰۰۰۰	تعداد نمونه: ۱۴۱	ضریب تعیین:	۰,۸۵۹۵۸۱

فرضیه پژوهش به صورت زیر است:

فرض صفر: با افزایش تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی، کیفیت سود شرکت ها بهبود نمی یابد.

فرض مقابل: با افزایش تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی، کیفیت سود شرکت ها بهبود می یابد.

همان گونه که نتایج جدول (۲) نشان می دهد، سطح معناداری برای متغیر تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی ۰,۷۵۸۳ است که بیشتر از سطح خطای ۰,۰۵ می باشد. از این رو می توان گفت با افزایش تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی، کیفیت سود شرکت ها بهبود نمی یابد. در نتیجه فرضیه صفر پذیرفته شده و فرضیه پژوهش رد می گردد.

بحث و نتیجه گیری

بحث اصلی این پژوهش بررسی وجود موثر کمیته حسابرسی در شرکت به عنوان ساز و کاری مهم از نظام حاکمیت شرکت هاست طوری که فعالیت موثر این کمیته می تواند امکان تقویت و سلامت گزارشگری مالی را فراهم کند و استقلال حسابسان را ارتقاء بخشد. کمیته حسابرسی یکی از مهمترین کمیته های هیئت مدیره است که مسئولیت نهایی نظارت بر کلیه فعالیت های شرکت را بر عهده دارد. تخصص و سابقه مالی اعضا از اهمیت ویژه ای برخوردار است طوری که موضوع اصلی این پژوهش قرار گرفت. در کنار آن استقلال اعضا هم از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در این تحقیق به عنوان متغیر کنترلی به همراه سایر مولفه های حاکمیت شرکتی من جمله استقلال هیئت مدیره، استقلال کمیته حسابرسی و ... مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نتایج هم ارائه گردید. در اهمیت این متغیر کنترلی هم می توان گفت

که استقلال کل اعضای این کمیته می‌تواند نقشی اساسی در ارتقای سیستم کنترل داخلی شرکت‌ها داشته باشد. همچنین با توجه به وظیفه‌ای که هیئت مدیره در سرپرستی فرایند افشا و ارائه‌ی اطلاعات دارد، این کمیته می‌تواند به استقرار سیستم‌های گزارشگری کارآمد به منظور ارائه‌ی اطلاعات شفاف و قابل اتکا با توجه به نیازهای استفاده‌کنندگان و سطح کمی و کیفی اطلاعات منتشر شده کمک کند. چنین سیستم‌هایی باید به گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند برای سهامداران بالقوه امکان ارزیابی عملکرد و برای مقامات ناظر شامل سازمان بورس و اوراق بهادار و شرکت بورس اوراق بهادار تهران امکان نظارت را فراهم کنند. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و با ماهیت توصیفی است و با استفاده از تحلیل اطلاعات به-دست آمده از صورت حساب سود و زیان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ صورت گرفته است. برای بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و وابسته مراحل زیر به ترتیب انجام شده است:

۱- تدوین فرضیه‌های پژوهش با توجه به ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق که شامل یک فرضیه بوده است.

۲- گزینش، جمع آوری و گردآوری داده‌های مورد نیاز برای بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶

۳- پردازش و دسته‌بندی داده‌های گردآوری شده و محاسبه‌ی اطلاعات و متغیرهای مورد نیاز در محیط اکسل

۴- انجام آزمون‌های آماری و بررسی اطلاعات به کمک نرم افزار *Eveiws* نسخه ۱۰

۵- تجزیه و تحلیل خروجی آزمون‌های آماری و تشریح نتایج آزمون فرضیه‌ها.

در پژوهش حاضر، برای رد یا عدم رد هر یک از فرضیه‌ها، از آزمون رگرسیونی حداقل مربعات معمولی استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه پژوهش در سطح آمار استنباطی نشان داده شد. بر اساس این نتایج فرضیه پژوهش تایید نشد که این فرضیه‌ها، در ارتباط با بررسی تاثیر افزایش تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به بیان دیگر آزمون فرضیه پژوهش رابطه تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داد. بر اساس نتایج به دست آمده بین تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته‌ها نشان می‌تواند که برای خط و مشی‌گذاران بورس از جهت تدوین و الزام به رعایت منشور کمیته حسابرسی مفید نبوده و ضرورت بکارگیری اصول حاکمیت شرکتی و تهیه داوطلبانه گزارش حاکمیت شرکتی نقشی در رفتار و انتخاب‌های اختیاری مدیران ندارد. به بیان دیگر کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های راهبری شرکتی، نمی‌تواند رفتار فرصت طلبانه مدیران را محدود و منافع مدیران و ذینفعان را همسو نماید تا بدینوسیله، موجب کیفیت سود شرکت‌ها شود. نتایج آزمون فرضیه پژوهش با پژوهش بیلال و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی ندارد. منطبق بر تئوری‌ها درک و دانش اعضای با تجربه کمیته حسابرسی، ارزش گزارشگری مالی و حسابرسی شرکت را افزایش می‌دهند و دلیل عدم تایید فرضیه در نوپا بودن کمیته حسابرسی در ایران و عدم تجربه کافی اعضای در شناسایی رفتار فرصت طلبانه مدیران است. مکاتب و تئوری‌های مالی در زمینه کمیته حسابرسی معتقدند که وجود کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی، یعنی اعضای که علاوه بر سوابق علمی تجربه و مهارت کافی داشته باشند، اثربخشی کمیته حسابرسی

را بالا برده و به دنبال آن کیفیت گزارشگری مالی بیشتر شده و اطلاعات قابل اتکاتری در اختیار مدیریت قرار گرفته و در نتیجه مدیریت پیش‌بینی‌های دقیق‌تری را ارائه خواهد داد. در ایران کمیته حسابرسی از سال ۱۳۹۱ لازم‌الاجرا شد. هنوز هم هستند برخی شرکت‌هایی که فاقد کمیته حسابرسی هستند. در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثربخشی کمیته حسابرسی به عواملی همچون شخصیت اعضا آن بستگی ندارد و دانش و تحصیلات مالی و حسابداری نقشی موثر در انتشار اطلاعات قابل اتکا ندارد. به هر حال کمیته حسابرسی ساز و کار کنترلی نوینی در گزارشگری مالی محسوب می‌شود و پژوهش‌های بیشتری پیرامون این موضوع ضروری به نظر می‌رسد چرا که نتایج مختلفی در ادبیات وجود دارند که نشان می‌دهد رابطه‌ای بین برخی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی و معیارهای گزارشگری مالی وجود ندارد. با این وجود این پژوهش ادبیات تخصص مالی در کمیته حسابرسی را گسترش می‌دهد. مبتنی بر فرضیه پژوهش، با توجه به عدم تایید ارتباط تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود، پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران هنگام تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی به منظور اتکا به آن برای ارزیابی سهام شرکت و...، به عواملی همچون تخصص مالی اعضای کمیته توجه نمایند و بر دیگر ویژگی‌های اعضای کمیته حسابرسی توجه کافی داشته باشند. به منظور استفاده هرچه بیشتر از نتایج تحقیق و نیز کمک به روشن شدن ارتباط تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود در آینده می‌توان به موضوع‌های زیر توجه بیشتری نمود و پیشنهادها ذیل جهت انجام پژوهش‌های آتی بدین شرح ارائه می‌گردد:

- ۱- مطالعه تأثیر نوع صنعت بر روی ارتباط تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود.
 - ۲- استفاده از سایر متغیرهای ارزیابی کنترلی، در بررسی ارتباط تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود.
 - ۳- بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم، بهای نفت و نرخ ارز بر روی شناسایی ارتباط تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود.
 - ۴- انجام تحقیق مشابه دیگری با در نظر گرفتن ارتباط تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود ناشی از مسائل سیاسی و تأثیر آن بر ارزش ذاتی شرکت‌ها.
 - ۵- با توجه به این که شرکت‌های با فعالیت واسطه‌گری مالی، از نمونه تحقیق حذف شده بودند، پیشنهاد می‌گردد تحقیقی در ارتباط تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود در این نوع شرکت‌ها انجام گرفته و نتایج آن با یافته‌های تحقیق حاضر مقایسه گردد.
- همواره گام نهادن در راه رسیدن به هدف، با محدودیت‌هایی همراه است که باعث می‌شود رسیدن به هدف مورد نظر با کندی همراه شود. پژوهش نیز به عنوان فرآیندی در جهت نیل به هدف حل مسئله پژوهش، از این امر مستثنی نیست. به بیان دیگر در فرآیند انجام پژوهش علمی، مجموعه شرایطی وجود دارد که خارج از کنترل محقق است ولی به طور بالقوه می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. مهمترین محدودیت این پژوهش مقطعی بودن داده‌های کیفیت سود و همچنین تعداد کم نمونه آماری است و این موضوع همان‌طور که در بدنه این پژوهش بیان شد به دلیل الزام جدید تشکیل

کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق و بهادار و نوپا بودن کمیته حسابرسی در ایران است. از این رو نتایج این پژوهش قابلیت تعمیم کمتری دارد. لازم به توضیح است که برخی از داده‌ها بر اثر تورم نیاز به تعدیل دارد و عدم تعدیل آن می‌تواند محدودیت عمده‌ای برای انجام پژوهش محسوب گردد. لذا در ادامه با ارائه محدودیت‌های پژوهش به صورت کلی، سعی بر آن است که به خواننده این پیام داده شود تا بتواند در تعمیم نتایج پژوهش با آگاهی بیشتری عمل کند و در مورد فرآیند پژوهش قضاوت عادلانه‌ای داشته باشد. در این راستا، محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر قابل ذکر است:

- ۱) نتایج پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است و کلیه شرکت‌ها را مورد بررسی قرار نداده است، لذا در تعمیم نتایج حاصل از پژوهش به کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، باید احتیاط لازم به عمل آید.
- ۲) ناقص بودن اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی برخی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، به دلایلی نظیر مخدوش بودن فایل‌های موجود آن‌ها و در نتیجه حذف آن‌ها از جامعه آماری مورد بررسی
- ۳) عدم استفاده از اطلاعات شرکت‌های غیر بورسی به دلیل عدم امکان دسترسی به آن‌ها.
- ۴) داده‌های استخراج‌شده از صورت‌های مالی شرکت‌ها، از بابت تورم تعدیل نگردیده است. در صورت تعدیل اطلاعات مذکور، ممکن است نتایج متفاوتی از نتایج فعلی حاصل شود.
- ۵) با توجه به اینکه قلمرو زمانی پژوهش، سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ بوده است، باید در تعمیم نتایج به دوره‌های قبل و بعد از آن، جنبه احتیاط رعایت گردد.

منابع

۱. بخردی نسب، وحید؛ ژولانزاد، فاطمه. (۱۳۹۶). تاثیر کیفیت سود بر رابطه بین مومنتوم و بازده اضافی سهام. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۸(۳۲)، ۲۱-۴۲.
۲. تالانه، عبدالرضا، کاظمی، مرضیه. (۱۳۹۵). محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی سود. فصلنامه علمی-پژوهشی *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، مقاله ۳، دوره ۲۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، صفحه ۴۳۵-۴۶۰.
۳. فخاری، حسین، رضائی پسته نوئی، یاسر. (۱۳۹۷). تاثیر کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت. *حسابداری مدیریت*، ۳۹-۶۷.
۴. نادریان، هوشنگ، ۱۳۹۰، منشوری به نام کمیته حسابرسی، حسابدار رسمی، شماره ۲۳ صص ۵۵-۵۹.
5. Ball, R., Kothari, S. P., & Robin, A. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 29(1), 1-51.
6. Bédard, J., & Gendron, Y. (2010). Strengthening the financial reporting system: Can audit committees deliver? *International Journal of Auditing*, 14(2), 174-210.

7. Bentley, K., Omer, T., & Twedt, B. (2014). Does business strategy impact a firm's information environment? Working paper. University of New South Wales.
8. Cédric Poretia, Alain Schattb, Liesbeth Bruynseelsc(2018), Audit committees' independence and the information content of earnings announcements in Western Europe, *Journal of Accounting Literature* 40 (2018) 29–53
9. Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2), 344–401.
10. DeFond, M. L., & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, 58(2), 275–326.
11. DeFond, M. L., Hung, M., & Trezevant, R. (2007). Investor protection and the information content of annual earnings announcements: International evidence. *Journal of Accounting and Economics*, 43(1), 37–67.
12. Eckhart, K. S., Widener, S. K., & Johnson, L. E. (2001). Governance and local government. *The Internal Auditor*, 58(3), 51-55.
13. Fernando.Guy. D., Richard. A., Schneible. Jr., Arindam. Tripathy. (2015). Firm strategy and market reaction to earnings. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*. ADIAC-00296; No of Pages 15.
14. Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13(4), 365–383.
15. Leuz, C., Nanda, D., & Wysocki, P. D. (2003). Earnings management and investor protection: An international comparison. *Journal of Financial Economics*, 69(3), 505–527.
16. Pevzner, M., Xie, F., & Xin, X. (2015). When firms talk, do investors listen? The role of trust in stock market reactions to corporate earnings announcements. *Journal of Financial Economics*, 117(1), 190–223.
17. Weaver, G. G. (2002). Audit committee trends and tools: a time for change. United States of America: The Financial Executives International (FEI) Research Foundation.

The Role of Audit Committee Members' Experience and Financial Expertise on Earnings Quality

Hasan Moeinian ^{*1}

Mohsen Heydarian ²

Hossein Moeinian ³

Date of Receipt: 2020/01/07 Date of Issue: 2020/01/21

Abstract

One of the important tasks of accounting knowledge is to optimize the science of accounting information users and financial statements. To improve the quality of financial reporting, improving the corporate governance system is inevitable. One of the mechanisms of corporate governance is the audit committee. The understanding and knowledge of experienced members of the Audit Committee results in improved earnings quality and financial reporting. However, due to the low background of the Audit Committee (effective since 2012), it is not possible to judge with certainty the relationship between the financial experience of the Audit Committee members and the quality of earnings. Accordingly, the purpose of the present study is to investigate the impact of financial experience of audit committee members on earnings quality. The statistical population of this research includes all companies listed in 2012-2017. Sample size was selected by systematic elimination method of over 141 companies. The research method is based on multiple regressions and combined data (panel data) using conventional least squares method. Research evidence suggests that the financial experience of audit committee members has no significant effect on corporate earnings quality.

Keyword

Earnings quality, Audit committee, Audit committee financial experience

1. Master of Accounting, Department of Accounting, Ershad Damavand Non-Profit University, Tehran Branch, Iran (moein.h60@gmail.com).

2. M.Sc., Business Management, Strategic Tendency, Department of Management, Mehr Alborz University, Tehran Branch, Iran

3. M.Sc., Government Management, Transformation Management Tendency, Islamic Azad University, Tehran Branch, Iran